

علی رضا پنجه ای

پارادوکس

برای خواهرم ملک که مثل یک شعر یادایادش ماندنی ست

۱

همه مهر بان بودند
برای آنکه مهربان بود
وقتی که بود

۲

در آغوش می کشد
تو را
ستاره ای
در خیال شاعر

۳

چه ستاره ی گمی
حوالی این بخت
واژگون شد

۴

دریاچه ی نمک
مشتی برای تو
نمکدان سفره ی بی ریای من!

۵

_ افسانه ترین قصه؟:
_ هزار و یک شب!

۶

یک پنجره

از پرسش چشمان تو
باز است

۷

جوی خشکیده
به سیلاب می خندد

۸

بر مزار پروفیسور محمود بهزاد

یک باغ
گل پرپر
نثار تو...

شهریور ۸۶

نوشتا ۵۹